

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۲۶ جنوری ۲۰۲۵

جنگ و صلح امپریالیستی

با توافق جنگ را شروع کردند و هزاران نفر را کشتند و با توافق ورقه خاتمه آن را امضاء کردند. این روند و ماهیت جنگ‌های قدرت‌مداران بین‌المللی به همراه دولت‌ها، نهادها و دسته‌های مرتجع و وابسته به آنان است. بیش از ۱۵ ماه جنگ دهشتناکی را بر نزدیک به ۲.۵ میلیون انسان رنج‌دیده تحمیل کردند تا به «صلح» تازه‌ای دست یابند. برای منطقه خاورمیانه و به‌ویژه مردم غزه بار دیگر «ظاهراً» ترم و زندگی «تازه‌ای» را رقم زده‌اند. غزه ای که ۹۰ درصد از مردم آن آواره و برخی از آن‌ها به خانه‌های خرابه خود بازگشته‌اند؛ غزه ای که هیچ شباهتی به شهر ندارد و با خاک یکسان شده است.

به‌رحال ظاهراً روند نزاع و ناآرامی در غزه به مرحله دیگری منتقل شده است. نکته‌ای که تازه نیست و به‌کرات مردم منطقه خاورمیانه شاهد جنگ و صلح امپریالیستی بوده‌اند. این که تا چه اندازه صلح مدنظر امپریالیست‌ها، دولت‌ها و تجمعات وابسته به آن‌ها در غزه پایدار خواهد ماند، قابل پیش‌بینی نیست. این که تا چه اندازه نقشه‌های موردتوجه پیش رفته است و مابقی آن‌ها چه خواهد شد، قابل بازگویی نیست. ولی آنچه تاکنون آشکار شده است این است که ریشه برخی از مسائل یعنی کشت‌وکشار و تخریب خانه و کاشانه مردم، به سیاست قدرت‌مداران بین‌المللی به‌منظور سهم‌خواهی بیشتر و به‌ویژه به ستراتیژی جهان امپریالیستی در ساختار بی‌خاصیت و ناستوار آن برمی‌گردد. غرض اشاره به نمونه‌ها در این بخش نیست و دنیای مخالف مناسبات سرمایه‌داری با این موضوعات [به‌طور نسبی] آشنا و نیز تا حدودی به ذات راه‌اندازی و شعله‌ورتر کردن جنگ‌های ارتجاعی و سازمان داده شده توسط قدرت‌مداران بزرگ پی برده است. جنگ‌هایی که بخشی بااهمیت در پاسخ به سیستم و مناسبات ازکارافتاده نظام امپریالیستی حاکم در جهان تبدیل‌شده است و به‌طورقطع آغازکنندگان و ادامه‌دهندگان آن جدا از دعوی دموکراسی طلبی و حمایت از حقوق محرومان از یک خانواده هستند و هیچ علاقه و پیوند زیربنایی با جامعه و پیگیری منفعت مردم ندارند. برای سود بیشتر و شاخ‌وشانه کشیدن، مردم را قربانی می‌کنند و جنگ آنان و پادوهای سیاسی‌شان به درد جامعه و مردم نمی‌خورد. ثمره جنگ‌های سازمان داده شده در افغانستان، عراق، لیبیا، لبنان، سودان، یمن، سوریه و دیگر کشورهای تحت سلطه بازگوکننده این واقعیات است و جنگ ۱۵ ماهه در غزه هم مستثنا از آن‌ها و به‌غیراز ادامه سیاست ۷۶ ساله جنگ‌طلبانه دولت اسرائیل علیه توده‌های محروم و بی‌دفاع فلسطین نبوده و نیست.

به عبارت دیگر، به زور دولتی را به مردم فلسطین تحمیل کرده‌اند و نزدیک به ۸ دهه جانشان را گرفته‌اند و سرزمینشان را با حمایت‌های بی‌دریغ قدرت‌مداران بین‌المللی غضب کرده‌اند تا منطقه خاورمیانه را از «شر» رقبای خود پاک کنند. سرزمینشان را گام‌به‌گام و همراه با تعرض وحشیانه و خونین تصاحب کردند و با دردی که به دنبال همه آن هستند. چندین دهه سرکوبشان کرده‌اند تا حاکمیتشان را به آن‌ها و به دیگر جوامع حاشیه‌ای تحمیل کنند. بی‌علت نیست که تعرض و دفاع به زندگی و به روش سیاسی مردم فلسطین و به‌ویژه مردم غزه در برابر اشغالگران تبدیل شده است. مجال و چاره‌ای به‌جز این نیست و تلاش و مبارزه برای اسکان در سرزمین خود در برابر غاصبان و زورگویان به‌خودی‌خود صحیح و قابل حمایت است. جدال جامعه طبقاتی و سرکوب‌شده است و تغییر مسیر فعلی، یعنی صلح امپریالیستی، به عوامل و موارد دیگر همچون کشاکش فشرده طرفین قدرت‌مداران بین‌المللی و دولت‌های منطقه و خصوصاً به اعتراضات و مخالفت‌های میلیونی عناصر و تجمعات مدافع جنبش‌های حق‌طلبانه برمی‌گردد. در هر صورت آنچه روشن شده است، آشکارشدن بیش‌ازپیش نقش و ماهیت دولت اسرائیل و همچنین گزافه‌گویی‌های دولت‌های بزرگ همچون آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان و دیگر همفکرانشان پیرامون دفاع از حقوق انسان‌ها است. بی‌علت نبوده و نیست که میلیون‌ها نفر در سرتاسر دنیا علیه سیاست سرکوبگرانه دولت غاصب اسرائیل و در دفاع از توده‌های محاصره‌شده غزه به پا خاسته‌اند. صف‌بندی‌ها و جدل‌هایی که نماد خود را در خیابان‌ها و در دیگر اماکن اعتراضی به نمایش گذاشته است.

همان‌گونه که آمده است، جنگ به یکی از بااهمیت‌ترین سیاست‌های قدرت‌مداران بزرگ تبدیل شده است. چراکه جهان امپریالیستی بنا به ده‌ها دلیل در موقعیت بسیار بغرنج و ناپایداری قرار گرفته است و گزیر از آن را در جنگ غیر رودررو با رقبا و انتقال آن‌ها به کشورهای تحت سلطه همچون افغانستان، عراق، لیبی، یمن، لبنان، سودان، سوریه و غیره می‌بیند. جنگ‌ها در بستر چنین واقعیات و افکار پلیدی سازمان‌دهی شده و بدون چون‌وچرا قربانیان اصلی آن بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها هستند. از این‌رو جنگ خودی‌هایشان است و ورود و حمایت مستقیم و غیرمستقیم از آن‌ها به هر دلیل و بهانه‌ای، در تقابل با خواسته‌های دیرینه مردم است. نه شروع جنگ در چهارچوب و به جهت تحقق خواسته‌های توده‌های محروم بوده و است و نه صلح آن‌ها در پاسخگویی به هزاران مشکل و مصیبت دست‌ساز قدرت‌مداران بین‌المللی، دولت‌های منطقه و دار و دسته‌های ارتجاعی است. توافق و سازمان‌دهی در شروع و پایان جنگ است و در این میانه به میان آوردن مبحث پیروزی و شکست بی‌معنی است. ده‌ها مورد در این باره وجود دارد مبنی بر اینکه زمانی و به بهانه‌ای شعله جنگ‌های امپریالیستی را برافروختند و در زمانی دیگر به‌عنوان ناجیان «مردم»، بیرق صلح را بلند کرده و می‌کنند. هر دو سوی دلایل بی‌مایه و فاقد ارزش سیاسی و انسانی هستند و معلوم شده است که نه از تنش و جنگ‌ها در افغانستان، عراق، لیبی، یمن و دیگر جنگ‌های ارتجاعی سازمان‌دهی شده توسط قدرت‌مداران بین‌المللی و دسته‌های مسلح و ارتجاعی کاسته شده است و نه هیچ‌یک از مردم به مطالبات پایه‌ای خود دست یافته‌اند. پس هیچ اعتبار و اطمینانی پیرامون توافقات و تصمیمات سیاسی دولت اسرائیل و حماس [در حقیقت تصمیم‌گیرندگان اصلی آن] نیست. چراکه هیچ‌یک به هیچ قوانینی، ولو به قوانین نوشته شده و نهادهای متصل به خود، مقید نیستند. به‌غیر از این است که هر بار ورقه توافقات را پاره کرده‌اند و یا اینکه کمترین جوابگویی به نهادهای دست‌سازشان، همچون سازمان ملل، حقوق بشر و نظایر این‌ها ندارند. در نتیجه جنگ و صلح آن‌ها دو چیز به‌ظاهر متفاوت ولی در واقع مانند هم است. همه آن‌ها شارلاتان هستند و قطعاً زنده نگاهداشتن جنگ، به حیاتشان مربوط شده است. به‌طور مثال دولت اسرائیل میدان جنگ را از نوار غزه به کرانه باختری [جنین] منتقل کرده است و تا به حال جان چندین نفر را گرفته است. دولتی که دو

روز از قرارداد «صلح»ش با حماس نگذشته است و قطعاً مردم غزه هم علی‌رغم هیاهوهای تبلیغاتی پیرامون صلح، از تیررس نیروهای سرکوبگر دولت اسرائیل در آینده به‌دور نخواهند ماند.

کوتاه اینکه، امنیت و آسایش میلیون‌ها انسان رنج‌دیده نه در جنگ‌های به‌راه افتاده امپریالیستی و نه در توافق و صلح ادعایشان است؛ زیرا دولت‌ها، نهادها و سازمان‌های ارتجاعی وابسته به امپریالیست‌ها از محتوای سیاسی، اقتصادی و قوانین خاصی پیروی می‌کنند که با محتوای سیاسی و قوانین جنگ توده‌های ستمدیده بسیار متفاوت است. جنگ آن‌ها تخریب زندگی مردم و کنارزدن رقبای امپریالیستی جهان و منطقه‌ای از ثروت‌های جامعه است، درحالی‌که جنگ توده‌های ستمدیده، تضمین آسایش و زندگی بهتر برای سازندگان اصلی جامعه و همچنین مدارایی، همکاری و همیاری با دیگر توده‌های محروم جهان به‌منظور توسعه جوامع انسانی است؛ بنابراین هر یک نمایندگان سیاسی حقیقی خود را دارند که بدون شک سازمان‌دهندگان و مجریان فعلی جنگ‌های به‌راه افتاده تاکنون از جمله آن‌ها نیستند.

۲۵ جنوری ۲۰۲۵/۶ بهمن - دلو - ۱۴۰۳